

بسم الله الرحمن الرحيم

توضیحات پرده خوانی

«روایت پیروزی»

در جنگ رمضان

خانه اندیشه و تبیین توافی

فروردین ماه ۱۴۰۵



خانه اندیشه و تبیین توافی



شاد جهان بین قرب کعبه نبی

پرده ۱) چرا جنگ شروع شد؟! کی مقصره؟

پرده اول

چرا جنگ شروع شد؟ کی مقصره؟

ما داشتیم زندگی خودمون رو می‌کردیم. این آمریکا بود که جنگ رو شروع کرد. هر دو بار هم حین مذاکره

حالا چرا آمریکا اینقدر جنگ طلبه؟

کارتر رئیس جمهور اسبق آمریکا:



چون در دنیا قانون جنگل حاکم است!

طول تاریخ آمریکا: ۲۴۲ سال

سالهای مشغول جنگ: ۲۲۶ سال

سالهای بدون جنگ: ۱۶ سال



کشورهای عربی



اروپا



اوکراین



ونزوئلا



ایران و ایرانی استوار است
و هیچ‌گاه در مقابل آمریکا تسلیم نخواهد شد

ما در آرامش مشغول زندگی عادی خود بودیم؛ این آمریکا بود که شعله‌ی جنگ را برافروخت. نکته‌ی جالب اینجاست که در هر دو بار، این اتفاق دقیقاً در حین انجام مذاکرات رخ داد.

همان‌طور که «کارتِر»، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا اعتراف کرده است، ایالات متحده در طول تاریخ ۲۴۲ ساله‌ی خود، تنها ۱۶ سال را در جنگ سپری نکرده است!

اما چرا آمریکا تا این حد جنگ‌طلب است؟ پاسخ روشن است: چون در قاموس آن‌ها رسماً «قانون جنگل» حکم‌فرماست. آمریکا خود را همه‌کاره و ارباب دنیا می‌داند و بر این باور است که ضعیف‌ترها باید در هاضمه‌ی قدرتِ قوی‌ترها هضم شوند.

- نگاهی به رفتارهای اخیر آن‌ها بیندازید؛ دیدید چگونه رئیس‌جمهور ونزوئلا و همسرش را ربودند و با وقاحت اعلام کردند که «ما نفت این کشور را می‌خواهیم»؟ حتی پس از کودتا، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا در یک اقدام کاملاً نمادین، شیشه‌ی نفت ونزوئلا را بوسید.

- دیدید چه بلایی بر سر «زلنسکی» و اوکراین آوردند؟ اوکراینی که مثلاً دوست و متحدشان بود، ناچار شد ۲۰٪ از خاک کشورش را به روسیه واگذار کند. آمریکا ۵۰٪ از معادن ارزشمند اوکراین را برای خود برداشت و در مقابل دوربین رسانه‌های تمام دنیا، او را به شکلی بی‌سابقه تحقیر کرد.
- تصاویر دیدار «ترامپ» با رؤسای جمهور اروپا را به یاد دارید؟ دیدید چگونه آن‌ها را کوچک و تحقیر کرد؟
- دیدید چگونه کشورهای عربی، به‌ویژه «بن‌سلمان» را تهدید کرد و با صراحت گفت: «اگر ما از شما حمایت نکنیم، حتی یک هفته هم نمی‌توانید دوام بیاورید و (با عرض پوزش) باید بیایید و بر باسن من بوسه بزنید!»

ما کاری به کشورهای عربی نداریم، اما یک ایرانی غیور و باصالت، هرگز در برابر چنین افراد مستکبری سر خم نخواهد کرد.

پرده ۲) در این جنگ کی پیروزه؟ ایران یا آمریکا؟

پرده‌ی دوم

در این جنگ کی پیروزه؟ ایران یا آمریکا؟

اهداف آمریکا از حمله به ایران از زبان خود ترامپ:



۱ تسلیم بی قید
و شرط ایران



۲ بدست
آوردن
نفت ایران

۳ عوض کردن
و تغییر رژیم
در ایران



۴ تجزیه کردن
ایران



۵ نابود کردن
صنعت
هسته‌ای



۶ از بین بردن
صنعت موشکی

بعد از ۴۰ روز از جنگ
کدام یک از اینها محقق شده؟!



تسلیم بی قید و شرط ایران!

بازگشایی تنگه‌ی هرمز!

آغاز جنگی

میانه جنگی

فروپاشی و تنزل
اهداف ترامپ:



ابتدا بیاید بررسی کنیم که اصلاً چرا آمریکا به ما حمله کرد؟ خود ترامپ با صراحت و شفافیت کامل، اهداف این حمله را چنین بیان کرده است:

۱. تسلیم بی‌قید و شرط ایرانی‌ها

۲. تسلط بر منابع نفتی ایران

۳. تغییر نظام حاکم بر ایران

۴. تجزیه‌ی کشور ایران

۵. نابودی کامل برنامه‌ی هسته‌ای

۶. نابودی کامل توان موشکی

حال، با گذشتِ بیش از ۴۰ روز از آغاز جنگ، کدام‌یک از این اهداف محقق شده است؟! مطلقاً هیچ‌کدام!

فروپاشی و تنزلِ اهداف ترامپ را تماشا کنید:

هدف در آغاز جنگ: تسلیم بی‌قید و شرط ایران!

هدف در میانه‌ی جنگ: بازگشایی تنگه‌ی هرمز!

هدف جدید و کنونی: نجاتِ جان یک خلبان آمریکایی!

پرده ۳) موفقیت‌های دشمن «عملیات» بوده نه «راهبردی»!

پرده‌ی سوم

موفقیت‌های دشمن «عملیاتی» بوده نه «راهبردی»!

ما در میانه‌ی یک جنگ نابرابر و تمام عیار قرار داریم!



ویرانی‌ها فراغت کننده است



رهبر بزرگوارمان شهید
شدا



فرماندهان ارزشمندی را
از دست دادیم



مردمان شهید شدند و خانه‌های
زیادی صدمه دیدند



برخی از زیرساخت‌های
حیاتی ما از بین رفت



جنگ ذاتاً ویرانی به
همراه دارد

تمام این‌ها حقیقت دارد، اما:

در ادبیات نظامی به این موارد «موفقیت‌های عملیاتی» دشمن می‌گویند؛ موفقیت‌هایی که قرار بود مقدمه‌ای باشند برای «موفقیت‌های راهبردی» (یعنی همان اهداف اصلی جنگ). اما همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، آمریکا به هیچ‌یک از اهداف راهبردی خود دست نیافت؛ به این معنا که نتوانست موفقیت‌های میدانی و عملیاتی‌اش را به یک پیروزی راهبردی تبدیل کند.



در نقطه‌ی مقابل، این «ایران» بود
که هم در سطح عملیاتی و هم در
سطح راهبردی، دست برتر و پیروز
میدان را داشت.

بله، ما در میانه‌ی یک جنگ نابرابر و تمام‌عیار قرار داریم. در یک سو ایران ایستاده و در سوی دیگر آمریکا، اسرائیل، برخی کشورهای اروپایی و اکثر کشورهای عربی. بدیهی است که در میدان جنگ حلوا خیر نمی‌کنند! جنگ ذاتاً با خود ویرانی به همراه می‌آورد.

رهبر عزیزمان به شهادت رسید، تعدادی از فرماندهان و دلاورمردان نظامی‌مان شهید شدند، به هزاران خانه خسارت وارد شد و برخی از زیرساخت‌های حیاتی ما از بین رفت.

تمام این‌ها حقیقت دارد. در ادبیات نظامی به این موارد «موفقیت‌های عملیاتی» دشمن می‌گویند؛ موفقیت‌هایی که قرار بود مقدمه‌ای باشند برای «موفقیت‌های راهبردی» (یعنی همان اهداف اصلی جنگ). اما همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، آمریکا به هیچ‌یک از اهداف راهبردی خود دست نیافت؛ به این معنا که نتوانست

موفقیت‌های میدانی و عملیاتی‌اش را به یک پیروزیِ راهبردی تبدیل کند.

در نقطه‌ی مقابل، این «ایران» بود که هم در سطح عملیاتی و هم در سطح راهبردی، دستِ برتر و پیروز میدان را داشت.

پرده ۴) موفقیت‌های عملیاتی ایران

پرده‌ی چهارم

موفقیت‌های عملیاتی ایران



۱ از مقرهای حساس نظامی گرفته تا مراکز «های‌تک» (نظیر هوش مصنوعی)، دبستان‌ها و زیرساخت‌های بنیادین مانند نیروگاه‌ها و پتروشیمی‌ها.



۲ از بین بردن و غیر عملیاتی کردن بیش از ۱۲ پایگاه نظامی آمریکا در منطقه



۴ انهدام رادارهای هشدار زودهنگام گران‌قیمت و راهبردی آمریکا برای ضربات بیشتر موشک‌ها



۵ شکست تاریخی ارتش آمریکا در جنوب اصفهان



۳

سرنگونی بیش از ۱۸۰ هواپیما و پهپاد پیشرفته آمریکایی مانند F۳۵ و MQ۹ و ...



درست است که ما در این جنگ آسیب دیدیم، اما متقابلاً ضربات مهلکی نیز بر پیکره‌ی دشمن وارد ساختیم:

- بیش از ۱۲ پایگاه نظامی آمریکا را در منطقه‌ی غرب آسیا شخم زدیم! همان پایگاه‌هایی که کشورهای عربی نزدیک به ۷۰ سال برای تأمین امنیتشان پول‌های کلانی به آمریکا پرداخته بودند تا دوشیده شوند، اما در نهایت ثابت شد که این‌ها تنها حُقه‌ی آمریکا برای تأمین امنیت اسرائیل بوده است، نه اعراب!
- صدها نقطه‌ی مهم و راهبردی را در عمق خاک اسرائیل شخم زدیم؛ از مقرهای حساس نظامی گرفته تا مراکز «های‌تک» (نظیر هوش مصنوعی)، دیتاسترها و زیرساخت‌های بنیادین مانند نیروگاه‌ها و پتروشیمی‌ها. در این مدت، بیش از ۲۰۰۰ بار آژیر خطر در سرزمین‌های اشغالی به صدا درآمد و زندگی آن‌ها را کاملاً فلج کرد. اخبار حاکی از آن است که آستانه‌ی تاب‌آوری متجاوزان در

- سرزمین‌های اشغالی به شدت افت کرده و در حال فروپاشی روانی هستند.
- حجم انبوهی از نیروها و تجهیزات آمریکایی را در منطقه نابود کردیم و بیش از ۱۵۰ فروند از انواع هواپیماها و پهپادهای پیشرفته‌ی آنها را ساقط نمودیم.
- دهها رادار پیشرفته هشدار زود هنگام مانند تاد را که تعداد خیلی کمی در دنیا وجود دارد را منهدم کردیم.
- در آخرین اقدام زمینی در اصفهان نیز شکست مفتضحانه‌ای بر دشمن تحمیل کردیم.

پرده ۵) موفقیت‌های راهبردی ایران

پرده‌ی پنجم

موفقیت‌های راهبردی ایران

تسلط بر تنگه هرمز به عنوان اهرم فشار
بیش از ۲۵٪ انرژی جهان

سه کار کرد مهم:

۱



ج) حذف پتrodollar



ب) اهرم فشار



الف) درآمد سرشار



۲ اخراج آمریکا از منطقه غرب آسیا

۲



۳ اثبات ابرقدرتی ایران به کل دنیا

۳



۴ نشان دادن ابهت پوشالی آمریکا و رژیم صهیونیستی

۴



۵ هم‌سازی افکار عمومی مردم آزاده دنیا

۵



۶ احیای عملیاتی جبهه مقاومت
لبنان، عراق، یمن، سوریه، فلسطین و

۶



۷ تضعیف شدید رژیم غاصب اسرائیل

۷

علاوه بر موفقیت‌های چشمگیر عملیاتی که در پرده‌ی قبل به آن‌ها اشاره شد، ایران در پی این جنگ به دستاوردهای استراتژیک و مهمی دست یافت که پس از انقلاب، هرگز از طریق مسیر دیپلماسی قابل دستیابی نبودند:

- **تسلط بلامنازع بر تنگه‌ی هرمز:** دستیابی به این اهرم فشارِ قدرتمند که بیش از ۲۵٪ انرژی جهان را تأمین می‌کند، سه دستاورد عظیم برای ایران به همراه دارد:

(الف) کسب درآمدهای سرشارِ ارزی که حتی از درآمدهای نفتی نیز فراتر خواهد رفت.

(ب) ایجاد اهرم فشاری قدرتمند برای لغو تحریم‌ها و برقراری تعادلی منصفانه در مناسبات جهانی.

(ج) فراهم کردن زمینه‌ی فروپاشی اقتصاد آمریکا از طریق حذف «پترودلار» از چرخه‌ی مبادلاتِ تنگه‌ی هرمز.

- **اخراج آمریکا از غرب آسیا:** بیرون راندن قدرتی که به ناحق از هزاران کیلومتر آن سوتر آمده و امنیت و ثبات منطقه را به بازی گرفته بود.
- **اثبات جایگاه ابرقدرتی ایران در جهان:** با خروج پیروزمندانه از این نبرد، ایران از این پس به عنوان یک ابرقدرت تأثیرگذار و بلامنازع در معادلات جهانی نقش آفرینی خواهد کرد.
- **فروپاشی هیمنه‌ی پوشالی آمریکا و اسرائیل:** تحقیر این دو رژیم، جرأت و جسارت بی‌سابقه‌ای به سایر دولت‌های مستقل جهان (مانند چین و روسیه) برای ایستادگی در برابر آمریکا خواهد داد.
- **همراه‌سازی افکار عمومی جهان:** بیدار کردن و همراه کردن وجدان انسان‌های آزاده‌ی دنیا علیه حاکمان «اپستین»؛ یعنی آمریکا و اسرائیل.
- **تزریق خون تازه به رگ‌های جبهه‌ی مقاومت:** تقویت و احیای گروه‌های مقاومت در لبنان،

عراق، یمن، سوریه، فلسطین و... که پیش از این جنگ، تصور می‌شد تضعیف شده و قدرت خود را از دست داده‌اند.

- **تضعیف شدید و مهلک رژیم غاصب صهیونیستی:** و در نهایت، فراهم آوردن بستری قطعی برای فروپاشی و نابودی کامل اسرائیل.

پرده ۶) چه موقع جنگ رو تموم کنیم؟

پرده‌ی ششم

چه موقع جنگ رو تمام کنیم؟!



ترفند همیشگی صهیونیست‌ها

از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۲۵ میلادی (در طی ۷۷ سال)، اسرائیل ۱۲ بار از حربی آتش‌بس استفاده کرده

دو نمونه تاریخی :

سال ۲۰۲۴



در سال ۲۰۲۴ اسرائیل بعد از آتش‌بس با لبنان:

- تعداد زیادی از فرماندهان حزب الله را ترور کرد
- مناطق زیادی از جنوب لبنان را بمباران کرد
- به سمت خلع سلاح حزب الله بیش رفت

سال ۱۹۴۸



در سال ۱۹۴۸ بعد از پیروزی اعرابه اسرائیل درخواست آتش‌بس کرد:

- بعد از مدتی اسرائیل به مصر حمله کرد
- بخش‌های بزرگی از صحرای سینا را تسخیر کرد
- جنگ را به نفع خودش به پایان برد.



آرمان
اصلی
نابودی
اسرائیل

- عدم تجاوز
- استمرار کنترل ایران بر تنگه هرمز
- پذیرش غنی‌سازی
- رفع همه تحریم‌های اولیه و ثانویه
- خاتمه تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت و شورای حکام
- پرداخت خسارت ایران
- خروج نیروهای رزمی آمریکا از منطقه
- توقف جنگ در همه جبهه‌ها از جمله لبنان

شروط
ایران
برای
پایان
جنگ

تجربه‌های فراوان تاریخی ثابت کرده است که اگر جنگ را نیمه‌تمام رها کنیم و پیش از تثبیت کامل پیروزی به آتش‌بس تن دهیم، دشمن در کوتاه‌ترین زمان ممکن تجدید قوا و بازآرایی کرده و حملات بسیار شدیدتری را علیه ما آغاز خواهد کرد. نمونه‌ی بارز این الگو را می‌توان در «جنگ ۱۲ روزه» به‌خوبی مشاهده کرد.

اساساً این ترفند همیشگی صهیونیست‌هاست؛ هرگاه عرصه بر آن‌ها تنگ می‌شود، درخواست آتش‌بس می‌کنند تا در ادامه‌ی مسیر و در فرصت به‌دست آمده، ضربات سنگینی بر پیکره‌ی طرف مقابل وارد آورند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۲۵ میلادی، اسرائیل ۱۲ بار از حربه و ترفند آتش‌بس برای ضربه زدن به جبهه‌ی مقابل بهره برده است. در ادامه به دو نمونه‌ی تاریخی از این دست اشاره می‌شود:

- **سال ۱۹۴۸:** در این سال، کشورهای عربی با محوریت مصر در عملیاتی تحت عنوان

«استقلال»، در مرحله‌ی نخست شکست سنگینی را بر اسرائیل تحمیل کردند. در پی این شکست، اسرائیل با اعمال فشار بر سازمان ملل متحد، اعلام آتش‌بس کرد و کشورهای عربی نیز با سهل‌اندیشی آن را پذیرفتند. اما پس از مدتی کوتاه، اسرائیل با یک حمله‌ی غافلگیرانه به مصر، بخش‌های وسیعی از صحرای سینا را به تسخیر خود درآورد و جنگ را کاملاً به نفع خویش به پایان رساند.

- **سال ۲۰۲۴:** زمانی که **حزب‌الله لبنان** با اجرای عملیات‌های موفقیت‌آمیز، نیروهای اسرائیلی را در جنوب لبنان زمین‌گیر کرد و اجازه‌ی کوچک‌ترین پیشروی را به آن‌ها نداد، ناگهان با میانجی‌گری آمریکا طرح آتش‌بس روی میز قرار گرفت. پس از این توافق، اسرائیل تعداد زیادی از فرماندهان ارشد حزب‌الله را ترور کرد، مناطق گسترده‌ای از جنوب لبنان را آماج بمباران‌های خود قرار داد و در نهایت، با همدستی دولت لیبرال لبنان، پروژه‌ی خلع سلاح حزب‌الله را به جریان انداخت.

بنابراین، ما به هیچ وجه نباید در این **چرخه‌ی باطل** «مذاکره، جنگ، آتش‌بس» و دوباره «مذاکره، جنگ، آتش‌بس» گرفتار شویم. پایان واقعی جنگ تنها زمانی رقم می‌خورد که پیروزی «ایران» به طور کامل تثبیت شده و دست «آمریکا» به عنوان یک متجاوز در پیشگاه جهانیان رو شود.

در قانون جنگل جنگ ما با آمریکا و اسرائیل همیشگی است و آرمان اصلی ما نابودی اسرائیل است. چون با نابودی او امنیت و آرامش به منطقه برخواهد گشت، ولی در این وعده صادق ۴ ما ۱۰ شرط برای پذیرش آتش‌بس داریم در غیر این صورت نبرد و مقاومت را ادامه خواهیم داد تا دشمن رو مجبور به پذیرش این شروط کنیم. دشمنی که زبان دیپلماسی را نمی‌داند باید با قدرت و استقامت باهاش حرف زد.

از بابت خسارات احتمالی نیز نباید نگران بود؛ چراکه ما با تکیه بر دانش بومی خود و همچنین

درآمدهای سرشاری که از طریق «تنگه‌ی هرمز» به دست خواهیم آورد، قادر خواهیم بود در کوتاه‌ترین زمان ممکن تمام آسیب‌ها را جبران و بازسازی کنیم. اما در نقطه‌ی مقابل، کشورهای عربی چنین توانی را نخواهند داشت؛ زیرا زیرساخت‌های آن‌ها تماماً توسط آمریکا و غرب ساخته شده است و از آنجایی که فاقد دانش بومی در این زمینه‌اند، توانایی بازسازی سریع آن‌ها را ندارند.

**با استقامت و ادامه‌ی این نبرد، قطعاً پیروزی
نهایی از آن ماست.**